



آغاز به کار نخستین جشنواره ملی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی

### رسانه و هنر ابزارهای معرفی و حفظ میراث فرهنگی هستند

استفاده از ابزار هنر و تلاش رسانه‌ها عاملی برای حفظ و معرفی میراث فرهنگی کشور است. علی‌داریایی، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی در مراسم افتتاحیه نخستین جشنواره ملی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی در یزد گفت: «جامعه‌ای می‌تواند میراث تمدنی خود را به دنیا نشان دهد که هنرمندانش را به تصویر بکشد و روایتگری کند. اگر به تاریخ ۷ هزار ساله خود می‌بالیم، م‌رهون تلاش‌های این مردان و زنان بزرگ در عرصه میراث فرهنگی بوده‌است. اگر روایتگری و خوانشی صورت می‌گیرد مدیون تلاشی رسانه‌هاست. کار رسانه حرکت روی میدان مین است و بسیار گرانقدر و اثر گذار است.»
سیدعباس فاطمی، دبیر جشنواره ملی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی نیز در این مراسم عنوان کرد: «با تلاش وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی تعداد بسیاری از آثار تاریخی و فرهنگی ثبت شده و آثار بسیاری همچنان ثبت نشده است که برای معرفی این میراث بزرگ همه باید دست‌به‌دست هم دهند.»

وی با اشاره به ارسال ۲ هزار و ۹۲۵ اثر به دبیرخانه نخستین جشنواره ملی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی گفت: «حجم آثار بالا بود که در ۱۶ بخش داوری انجام شد. محورهای جشنواره در هشت گروه اصلی و سه ابر گروه رادیو، فضای مجازی و سینما و تلویزیون به‌عنوان سه گروه اصلی معرفی شد.»
فاطمی ادامه داد: «در حوزه مستند کوتاه ۵۰۵ اثر و پخش مستند بلند، بالای ۱۰۰ اثر در نخستین جشنواره ملی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی شرکت کردند.»

در انتها این مراسم از برخی چهره‌های شناخته شده و مفاضر یزد از جمله همسر شهید محمد منتظر قائم اولین شهید رولیاوی و سایر بکا در واقعه صحرای طیس، استاد اکبر الفت عکاس انقلاب در یزد، میراث فرهنگی، عکاس قدیمی حوزه تئاتر و داوود جشنواره اسناد معرفی میراث فرهنگی و حفظ و نگهداری و پاسداشت آثار تاریخی عبدالعظیم پویا تقدیر به عمل آمد.

### سینما

روح‌الله سهرابی:

### تولید فیلم ضددینی یا مجوز ارشاد کذب است

مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی کشور در پی انتشار خبری مبنی بر تولید یک فیلم ضددینی با عنوان «شوالیه سیاه» توضیحاتی را ارائه داد. به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، روح‌الله سهرابی در خصوص توضیح مباحث مطرح شده در برخی از رسانه‌ها در خصوص فیلم سینمایی «شوالیه سیاه» گفت: پس از بررسی خبر منتشر شده در راستای تنویر آذهان مخاطبان و دغدغه‌مند و علاقه‌مندان به سینما به اطلاع می‌رساند فیلم ویدئویی «شوالیه سیاه» به کارگردانی آقای آل‌ابراهیم دهکردی در خرداد ۱۴۰۰ پروانه ساخت گرفته و پس از تولید در شهریور ۱۴۰۱ موفق به اخذ پروانه نمایش ویدئویی از شورای فیلم‌های ویدئویی شده‌است. وی افزود: این اثر پیش از این به تأیید اعضای شورا رسیده و هیچ گونه مغایرتی با اصول و ارزش‌های دینی ندارد و آنچه در اخبار مطرح شده صرفاً یک اشتباه بوده و تکرار مداوم آن ناشی از شیطنت رسانه‌ای است.

مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی عذر بخرد، به نظر می‌رسد با توجه به برگزاری آبرومند و باشکوه جشنواره فیلم فجر، برخی افراد با رسانه‌ها که از همان ابتدا در صدد حاشیه‌سازی برای سینمای ایران بوده‌اند، بزعم خود بهانه‌های برای رسیدن به اهداف خود به دست آوردند تا با تحریف برخی رسانه‌های تولیدی،مد و تلویزیون، جریان رسانه‌ای را با خود همراه کنند که تعداد محدودی از این رسانه‌ها هم متأسفانه بدون تحقیق و راستی از مایمی اقدام به باز نشر یا قضاوت درباره مطلب منتشر شده، کرده‌اند. وی تأکید کرد: بنده اطمینان می‌دهم چنین تولیدی نشده و بررسی‌های ما نشان می‌دهد اساساً فیلمی با این مضمون از سازمان سینمایی مجوز نگرفته است. فیلم مورد بحث همان فیلم ویدئویی «شوالیه سیاه» است که کاملاً متفاوت و مغایر با ادعاهای مطرح شده است.

### زبان فارسی

پس از بیانیه هیئت داوران فیلم فجر و تجلیل از چند فیلم برای پاسداشت زبان فارسی حالا یک رویداد با نام فارسیما و یک محفل ذیل عنوان آرمان به موضوع زبان فارسی در سینما ورود کرده‌اند

#### نوید پارسا

پس از توجه شایسته هیئت داوران فیلم فجر به پاسداشت زبان فارسی در آثار این رویداد که در قالب یک بیانیه‌منتشر و چندفیلم در اینباره تقدیر شد،حالا دو محفل دیگر نیز از همین زاویه به این موضوع در سینما واکنش نشان داده‌اند. هفته پیش و پس از پایان جشنواره فیلم فجر هیئت داوران این رویداد بیانیه‌ای منتشر کرد و از فیلم‌هایی که جایگاه و منزلت زبان فارسی در آنها مورد توجه قرار گرفته‌بود، تقدیر شد؛ رویکردی که باید جزو اتفاقات خوب این دوره از جشنواره فجر از آن یاد کرد، اما توجه به زبان فارسی در سینما به این اتفاق ختم نمی‌شود؛ چرا که درپوز هیئت داوران رویدادی با عنوان جایزه «فارسیما» (زبان فارسی در سینما) که از سوی انجمنی موسوم به ویرایش ودرست‌نویسی راهاندازی شده‌است،فیلم «هفت بهار نارنج» ساخته فرهاد گل سفیدی را به عنوان خوش‌زبان‌ترین فیلم جشنواره چهل و یکم فارسی‌ساخته فیلم جشنواره فجر برگزیر کردند. در متن بیانیه هیئت داوران فارسیما آمده‌است:
با بر آمدن فجر چهل‌ویکم در آسمان هنر هفتبه زبان‌روزران و فارسی دوستان در انجمن ویرایش و درست‌نویسی که جایگاه زبان را در سینمای مهم و البته فراموش شده‌می‌بینند،بار دیگر بر آن شدند تا خوش‌زبان‌ترین فیلم این دوره را بر گزینند، اما راه پیش‌رو دشوار یمازات از

# جوان

**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران** مدیرعامل و مدیرمسئول:محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
نطاق معریزی شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی:۸۸۴۹۸۴۴۸.نمابر: ۰۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان
| شماره ۶۷۰۲
| یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۱
| ۲۸ رجب ۱۴۴۴
| اذان ظهر: ۱۲:۱۸
| غروب آفتاب: ۱۷:۵۰
| اذانغرب: ۱۸:۰۸
| نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۶
| اذانصبح فردا: ۵:۲۳
| طلوع آفتاب:۰۷:۴۷

گفت و گوی «جوان» با هوشنگ جاوید پژوهشگر و مدرس موسیقی به بهانه در گذشت استاد حسن ناهید

## مرحوم «حسن ناهید» از قلندران موسیقی ایرانی بود



#### مصطفی شاه کریمی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از فعالان موسیقی به بهانه‌های مختلف از فعالیت موسیقایی کنار کشیدند، اما مرحوم حسن ناهیداز آن دست هنرمندانی بود که به میدان آمد و اتفاقا کارهای بسیار ارزشمندی را هم تولید کرد.اگر بختی‌اش از اهالی موسیقی را مثل سرایان موسیقی کشور ببینیم قطعاً استاد ناهیداز سرداران موسیقی ایرانی است.

استاد حسن ناهید، موسیقیدان و نوازنده پیشکسوت نی، که از مدتی قبل در بستر بیماری بود،پنج‌شنبه‌شب در سن ۷۹ سالگی درگذشت. مرحوم ناهید از شاگردان برجسته زنده‌یاد استاد حسن کسایی بود که از ۱۰ سالگی موسیقی را شروع کرد و خدمات کم‌نظیری به حوزه موسیقی دستگاهی و سنتی کشورمان ارائه کرد.ان مرحوم

در بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مورد تقدیر قرار گرفت و در رسال ۱۳۹۶ مدرک درجه یک هنری به ایشان اعطاشد. استاد هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی واز چهره‌های شناخته‌شده عرصه موسیقی که با حسن ناهید رفاقت و مروانند دیرپایی داشته در مورد شخصیت حرفه‌ای و هنری این استاد فقید موسیقی به «جوان» می‌گوید: ابتدا به این نکته توجه کنیم که استاد حسن ناهید در چه دوره‌ای به دنبال آموزش و یادگیری موسیقی رفت و تحت آموزش چه بزرگانی قرار گرفته تا تبدیل به کسی شود که خدمات کم‌نظیری به موسیقی اصیل ایرانی ارائه کرده و حتماً این آثار و برکات استاد ناهید همچنان در دل جریان موسقایی کشورمان ادامه خواهد داشت.نوازی‌های‌تاتی و عاشق موسیقی بودن استاد ناهید از جمله عوامل مؤثری بود که وقتی در ابتدای نوجوانی و سن ۱۰ سالگی به سمت آموزش و یادگیری موسیقی می‌رود، بعد از مدت کوتاهی آقدر رشد می کند که به شاگردی بزرگ‌لی مثل استاد حسین تهرانی و استاد حسن کسایی می‌رسد.در واقع ایشان یکی از قلندران درشت استخوان مکتب موسقایی اصفهان هستند.

##### قلندر درشت استخوان مکتب اصفهان

جاویددر ادامه می‌گوید:اصفهان مکتب‌موسیقایی خاص خودش را دارد، اما خیلی‌ها سعی می‌کنند تا آن را کنار کنند یا با مخالفت با آن بپردازند، در حالی که این یک واقعیت است که اصفهان مکتب موسیقایی خاص خودش را دارد که با مکتب

### حکمت

پیامبر اعظم(ص):

از لجبازی بهره‌یز که آغازش

نادانی و انجامش پشیمانی

است.

«گزیده تحف العقول»

| روزنامه جوان
| شماره ۶۷۰۲
| یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۱
| ۲۸ رجب ۱۴۴۴
| اذان ظهر: ۱۲:۱۸
| غروب آفتاب: ۱۷:۵۰
| اذانغرب: ۱۸:۰۸
| نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۶
| اذانصبح فردا: ۵:۲۳
| طلوع آفتاب:۰۷:۴۷

گفت و گوی «جوان» با هوشنگ جاوید پژوهشگر و مدرس موسیقی به بهانه در گذشت استاد حسن ناهید

## مرحوم «حسن ناهید» از قلندران موسیقی ایرانی بود

مصطفی شاه کریمی

خطاب قرار بدهد، هواره را لفظ «استاد ناهید» استفاده می‌کرد و این عنوان را فقط برای مرحوم ناهید به کار می‌برد که برای ما به عنوان فعالان موسیقی نشان دهنده جایگاه رفیع استاد ناهید بود.این در حالی‌است که استاد ناهید انسان بسیار فروتن و افتاده‌ای بودند که یکی از دلایل انعکاس ضعیف اخبار رسانه‌ها در مورد ایشان همین اخلاق استاد فقید موسیقی ایرانی بود. بعداز انقلاب اسلامی برخی از فعالان موسیقی به بهانه‌های مختلف کنار کشیدند، اما استاد ناهیداز آن دست هنرمندانی بود که به میدان آمد و اتفاقا کارهای بسیار ارزشمندی را هم ارائه کرده‌ما باید قدراین سرداران فرهنگی را بدانیم.

##### لزوم درجه بندی هنرمندان

این فعال موسیقی با گله‌او را جامعه رسانه‌ای به خاطر عدم توجه آنها به موسیقی ردیف و دستگاهی و نواحی ایرانی می‌افزاید:
متأسفانه جامعه رسانه‌ای ما در مقابل بی‌مهری نسبت به موسیقی ایرانی، توجه و تمرکز بالایی را روی موسیقی غربی و پاپ دارد و خواننده‌هایی که مربوط به جریان مافیایی موسیقی هستند، به شدت مورد تبلیغ و توجه هستند! آیا این رسانه‌ها ایران را در آواز اروپایی می‌بینند؟! آیا ایران و فرهنگ ایرانی در ساز اروپایی باید دیده شود؟!
حسن ناهید از نمادهای موسیقی ایرانی است که متأسفانه دیده نشد. متأسفانه از طرف دیگر دستگادهای فرهنگی ما به ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ فکری برای مناصب موسیقیدان‌های بزرگ کشور نکرده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: در چه دادن به استادهای موسیقی نباید فقط در بعضی جشنواره‌ها و رویدادهای مثل جشنواره فجر و امثالهم آن هم گاهی به گاهی اتفاق بیفتد، بلکه باید در قالب یک سازوکار درست و حساب شده و به صورت مداوم باشد تا شاهد این اوضاع به هم ریخته‌یوبر حساب کتاب امروز موسیقی و جولان دادن مافیای موسیقی نباشیم. تمام‌اهالی موسیقی و فرهنگ و هنر مثل سرایان و سردارانی هستند که به فرهنگ این کشور خدمت می‌کنند.اگر اهالی موسیقی را مثل سرایان موسیقی کشور ببینیم، قطعاً استاد ناهید از سرداران موسیقی ایرانی هستند. متأسفانه مسئولان و رسانه‌های ما این سرداران را نمی‌بینند.من از عزیزان شورای عالی انقلاب فرهنگی ووزارت فرهنگ و ارشاداسلامی خواهش می‌کنم در این مورد فکری بکنند. الان مدت‌زادی است که سند موسیقی کشور منتظر ابلاغ و اجراست، اما متأسفانه این اتفاق به دلایلی که معلوم نیست، انجام نمی‌شود، چرا؟!

جاوید با اشاره به سرود سلام فرمانده می‌گوید: اعتراضی با زبانی نرم دانست؛ اعتراض به نگاه فرهنگی حاکم بر جا کمنیت! البته آن آنجا که فیلمساز خود را نماینده انقلاب می‌داند، می‌خواهد از جایگاه انقلابی خود، بیانیه‌ای علیه جریان فرهنگی مخالف قرائت کند، اما درحقیقت پیام فیلم در دفاع مقدس دیده و شنیده‌اید، در فیلم به نفع سینما متروپل مصاره می‌شود. کارگردان در صحنه‌ای قصد خود برای این‌همه‌ی مسجد و سینما را در قالب پیامی صریح بیان می‌کند؛ آنجا که قهرمان فیلم می‌گوید همان‌طور که وقتی صداي اذان از مساجد بلند می‌شود و به گوش صدامیان می‌رسد، لرزه به اندامشان می‌اندازد، می‌خواهیم صدای پخش فیلم از سینما هم چنین کند!

قصه به گونه‌ای پیش می‌رود که سینما علاوه بر رسالت سرگرمی و درس آموزی برای شهروندان و رزمندگان، جان پنهای برای زخمی‌ها و بیماران می‌شود و هم‌تر از آن، اسرای جنگی نیز در سینما استقرار می‌یابند، و گویی امن‌ترین جا در بحران جنگ سالان سینماست، فیلمساز حتی برای مقدس‌تر کردن سینما حاضر است گره اصلی جنگ را نیز توسط پخش فیلم در سینما باز کند؛ بلکه رویدادها در پیرنگ داستان به گونه‌ای طراحی می‌شود که صاحبان سینما متروپل دست به ایثار می‌زنند تا با زمینه‌سازی برای حمله دشمن به سالن سینما، شهر نجات پیدا کند.

این تازه اول ماجراست؛ حال که سینما اینقدر مهم و استراتژیک است، مخالف هم پیدا می‌کند. دشمن هم می‌خواهد آن را تعطیل کند یا زبان رسانی آن را با سانسور ببندد.
دقیق زبانی از فیلم با حضور فراصت (رضا کیانیان) در سالن سینما متروپل به هم‌راه روحانی معروف اتفاق می‌افتد. شخصیت‌سازی فراصت تماشاگر را به یاد نیروهای انقلابی دهه ۶۰ می‌اندازد. او نماد اپدئولوژی انقلابی است که از قضا تحلیلگر سیاسی نیز هست. فیلمساز در این بخش از فیلم دوگانه روشنی را ترسیم می‌کند. نگاه تند سیاسی و اپدئولوژیک که با حمایت جریان روحانیت در برابر سینمای مظلوم و مقدس قرار می‌گیرد و در کشاکش مواجهه قهرمان فیلم، برای جلوگیری از تعطیلی سینما، ایده سانسور خلق می‌شود و اینچنین جریان سیاسی که نماد حاکمیت است، به ناچار اجازه پخش برخی از فیلم‌های سینما را می‌دهد.



### سینما



### سینما متروپل

## یک بیانیه تمام‌عیار غیرانقلابی!

فیلمساز سعی می‌کند با تفسرخ جریان فرهنگی انقلاب و بی‌منطق نشان دادن طرفداران سانسور لحظه‌های طنز ایجاد کند و با خنده گرفتن از تماشاگر، به گونه‌ای القا کند که مردم نیز با این نگرش همراهی دارند. در اینجا نیز فیلمساز ایایی از بیانیه دادن ندارد؛ در جایی که دعوا بالا می‌گیرد و قبل از اینکه قهرمان فیلم به همراه دوست دختر دوران بچگی اش، کشف بزرگ سانسور را برای نجات سینما از دست نماینده انقلاب انجام دهد، کرامت از گیر دادن‌ها و اشکال تراشی‌های فراصت خسته می‌شود و با صدای بلند می‌گوید: شما با سینما مخالفند

تماشاگر مشابه این سخن را بارها شنیده‌است. فرمایشات امام‌خمینی در بهشت زهرا که فرمودند: ما با سینما مخالف نیستیم؛ با فحشا مخالفیم. اینجا البته بعید می‌دانم فیلمساز سوئال اینجاست که فیلمساز خود را نماینده انقلاب می‌داند، می‌خواهد از جایگاه انقلابی خود، بیانیه‌ای علیه جریان فرهنگی مخالف قرائت کند، اما درحقیقت پیام فیلم در دفاع مقدس دیده و شنیده‌اید، در فیلم به نفع سینما متروپل مصاره می‌شود. کارگردان در صحنه‌ای قصد خود برای این‌همه‌ی مسجد و سینما را در قالب پیامی صریح بیان می‌کند؛ آنجا که قهرمان فیلم می‌گوید همان‌طور که وقتی صداي اذان از مساجد بلند می‌شود و به گوش صدامیان می‌رسد، لرزه به اندامشان می‌اندازد، می‌خواهیم صدای پخش فیلم از سینما هم چنین کند!

قصه به گونه‌ای پیش می‌رود که سینما علاوه بر رسالت سرگرمی و درس آموزی برای شهروندان و رزمندگان، جان پنهای برای زخمی‌ها و بیماران می‌شود و هم‌تر از آن، اسرای جنگی نیز در سینما استقرار می‌یابند، و گویی امن‌ترین جا در بحران جنگ سالان سینماست، فیلمساز حتی برای مقدس‌تر کردن سینما حاضر است گره اصلی جنگ را نیز توسط پخش فیلم در سینما باز کند؛ بلکه رویدادها در پیرنگ داستان به گونه‌ای طراحی می‌شود که صاحبان سینما متروپل دست به ایثار می‌زنند تا با زمینه‌سازی برای حمله دشمن به سالن سینما، شهر نجات پیدا کند.

این تازه اول ماجراست؛ حال که سینما اینقدر مهم و استراتژیک است، مخالف هم پیدا می‌کند. دشمن هم می‌خواهد آن را تعطیل کند یا زبان رسانی آن را با سانسور ببندد.
دقیق زبانی از فیلم با حضور فراصت (رضا کیانیان) در سالن سینما متروپل به هم‌راه روحانی معروف اتفاق می‌افتد. شخصیت‌سازی فراصت تماشاگر را به یاد نیروهای انقلابی دهه ۶۰ می‌اندازد. او نماد اپدئولوژی انقلابی است که از قضا تحلیلگر سیاسی نیز هست. فیلمساز در این بخش از فیلم دوگانه روشنی را ترسیم می‌کند. نگاه تند سیاسی و اپدئولوژیک که با حمایت جریان روحانیت در برابر سینمای مظلوم و مقدس قرار می‌گیرد و در کشاکش مواجهه قهرمان فیلم، برای جلوگیری از تعطیلی سینما، ایده سانسور خلق می‌شود و اینچنین جریان سیاسی که نماد حاکمیت است، به ناچار اجازه پخش برخی از فیلم‌های سینما را می‌دهد.

<sup>[1]</sup> فیلمساز سعی می‌کند با تفسرخ جریان فرهنگی انقلاب و بی‌منطق نشان دادن طرفداران سانسور لحظه‌های طنز ایجاد کند و با خنده گرفتن از تماشاگر، به گونه‌ای القا کند که مردم نیز با این نگرش همراهی دارند

<sup>[2]</sup> فیلمساز ایایی از بیانیه دادن ندارد؛ در جایی که دعوا بالا می‌گیرد و قبل از اینکه قهرمان فیلم به همراه دوست دختر دوران بچگی اش، کشف بزرگ سانسور را برای نجات سینما از دست نماینده انقلاب انجام دهد، کرامت از گیر دادن‌ها و اشکال تراشی‌های فراصت خسته می‌شود و با صدای بلند می‌گوید: شما با سینما مخالفند